Rahavard-e Honar Quarterly Journal of Art Studies
Vol. 1, Issue 4, Summer 2026, 18-31
Jam.apadana.ac.ir

Apadana Institute of Higher Education

Visual Analysis of Folkloric Concepts Reflected in the Motifs of Bijar Kurdish Kilims

Zahra Ansari*

MSc. in Visual Communication, Department of Art, University of Culture and Art, Arak, Iran

Received: 09/April/2026 Accepted: 10/June/2026 eISSN: 3116-1626 ISSN: 3116-1618

Abstract

The kilims of Bijar, Kurdistan, are among the most distinguished manifestations of Iran's indigenous textile art. Beyond their aesthetic value, they embody a significant part of the region's folklore culture, collective beliefs, and ethnic identity. Although numerous studies have examined the technical and decorative characteristics of kilims, the relationship between the visual structure of their motifs and the components of folklore culture has received limited analytical attention. Accordingly, the present study investigates how folklore culture is reflected in the visual structure of the motifs found in Bijar Kurdish kilims. The primary objective of this research is to analyze the visual characteristics of these motifs and to explain their relationship with the beliefs, rituals, and folk traditions of the people of Kurdistan. The main research question is: How does the visual structure of the motifs in Bijar Kurdish kilims represent the concepts and components of folklore culture? This study adopts a qualitative approach using a descriptive–analytical research method. Data were collected through library research, documentary sources, ethnographic literature, and the examination of selected samples of Bijar kilims. The findings indicate that the visual elements of the motifs—including geometric forms, rhythm, repetition, color, symmetry, and composition—serve not merely decorative purposes but also reflect concepts rooted in folklore culture, traditional lifestyles, ritual beliefs, and the cultural memory of the Kurdish community. Consequently, the visual structure of Bijar kilims can be regarded as a coherent system of cultural signs that preserves indigenous identity while offering considerable potential for reinterpretation and application in contemporary visual arts and visual design.

Keywords: Bijar Kilim, Motif, visual structure, folklore concepts, visual arts

* Corresponding Author: ansari22zahra@gmail.com

فصلنامه رهاورد هنر
دوره ۱، شماره ۴، تابستان ۱۴۰۵، ۱۸-۳۱
Jam.apadana.ac.ir

Apadana Institute of Higher Education

تحلیل بازتاب مفاهیم فولکلور در ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار کردستان

زهرا انصاری* کارشناسی ارشد، ارتباط تصویری، گروه هنر، دانشگاه فرهنگ و هنر، اراک، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۲۰ eISSN: 3116-1626 ISSN: 3116-1618

چکیده

گلیم‌های بیجار کردستان از برجسته‌ترین جلوه‌های هنر بومی ایران به شمار می‌روند که افزون بر ارزش‌های زیباشناختی، حامل بخش مهمی از فرهنگ فولکلور، باورهای جمعی و هویت قومی مردم این منطقه هستند. با وجود پژوهش‌های متعدد درباره‌ی ویژگی‌های فنی و تزئینی گلیم، ارتباط میان ساختار بصری نقش‌مایه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ فولکلور کمتر به‌صورت تحلیلی مورد توجه قرار گرفته است. از این‌رو، مسئله‌ی اصلی پژوهش حاضر بررسی چگونگی بازتاب مفاهیم فولکلور در ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار کردستان می‌باشد. هدف پژوهش، تحلیل ویژگی‌های بصری نقش‌مایه‌ها و تبیین نسبت آن‌ها با باورها، آیین‌ها و فرهنگ عامه‌ی مردم کردستان است. پرسش اصلی پژوهش این است که ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار کردستان چگونه مفاهیم فولکلور را بازنمایی می‌کند؟ این پژوهش با رویکردی توصیفی–تحلیلی و به شیوه‌ی کیفی انجام شده است. گردآوری داده‌ها نیز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، اسناد مکتوب و بررسی نمونه‌های منتخب نقوش گلیم بیجار صورت گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند که عناصر بصری نقش‌مایه‌ها، از جمله هندسه نقوش، ریتم، تکرار، رنگ، تقارن و ترکیب‌بندی، صرفاً جنبه‌ی تزئینی ندارند، بلکه بازتاب‌دهنده‌ی مفاهیم برخاسته از فرهنگ فولکلور، چون قدرت و پایداری، تداوم حیات و باروری، آزادی و امید و مفاهیمی چون حفاظت، نظم و تداوم فرهنگی در جامعه بختیاری هستند.

کلیدواژه‌ها: گلیم بیجار، نقش‌مایه، ساختار بصری، مفاهیم فولکلور، هنرهای تجسمی

* نویسنده‌ی مسئول: ansari22zahra@gmail.com

مقدمه

دست‌بافته‌های سنتی ایران، افزون بر کارکردهای معیشتی و کاربردی، از مهم‌ترین جلوه‌های فرهنگ مادی و هویت بصری اقوام ایرانی به شمار می‌روند. در میان این آثار، گلیم یکی از کهن‌ترین دست‌بافته‌هایی است که در طول تاریخ، هم‌زمان با تأمین نیازهای اولیه‌ی انسان، به بستری برای انتقال اندیشه، باورها، تجربه‌های زیستی و ارزش‌های فرهنگی تبدیل شده است. شکل‌گیری گلیم در جوامع کوچ‌نشین و روستایی، ریشه در تعامل انسان با محیط طبیعی، شیوه‌ی معیشت و نظام اعتقادی او دارد؛ از این‌رو، نقش‌مایه‌های آن را نمی‌توان صرفاً عناصر تزئینی دانست، بلکه هر نقش، رنگ و ترکیب‌بندی، بخشی از نظام نشانه‌ای و حافظه فرهنگی یک قوم را بازنمایی می‌کند.

در میان مناطق مختلف ایران، بیجار کردستان به‌دلیل پیشینه‌ی غنی در بافندگی و تنوع نقش‌مایه‌های هندسی و نمادین، جایگاه ویژه‌ای در هنر دست‌بافته‌های ایرانی دارد. گلیم‌های این منطقه، حاصل تلفیق مهارت فنی بافندگان با جهان‌بینی، آیین‌ها، سنت‌های شفاهی و فرهنگ فولکلور مردم کرد هستند. بسیاری از نقش‌مایه‌های به‌کاررفته در این گلیم‌ها، از طبیعت، جانوران، گیاهان، باورهای اسطوره‌ای، آیین‌های بومی و تجربه‌ی زیسته‌ی جامعه‌ی کُرد الهام گرفته‌اند و در قالب ساختارهای بصری منظم و هدفمند بازآفرینی شده‌اند. از این‌رو، مطالعه‌ی این نقش‌مایه‌ها می‌تواند زمینه‌ای برای شناخت بهتر هویت فرهنگی و زبان بصری هنر بومی فراهم آورد.

اگرچه تاکنون پژوهش‌های متعددی درباره‌ی تاریخچه، شیوه‌های بافت، مواد اولیه، طبقه‌بندی نقوش و جنبه‌های مردم‌شناختی گلیم انجام شده است، اما بررسی رابطه‌ی میان ساختار بصری نقش‌مایه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگ فولکلور کمتر به‌صورت مستقل و با رویکرد هنرهای تجسمی مورد توجه قرار گرفته است. این خلأ پژوهشی ضرورت مطالعه‌ای را آشکار می‌سازد که بتواند ضمن تحلیل عناصر و اصول بصری نقش‌مایه‌ها، پیوند آن‌ها را با باورها، آیین‌ها و فرهنگ عامه‌ی مردم کردستان تبیین کند. بر همین اساس، پژوهش حاضر با هدف تحلیل ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار کردستان با تأکید بر مفاهیم فولکلور انجام شده است و می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که مفاهیم فولکلور چگونه در ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار بازنمایی شده‌اند. نتایج این پژوهش، افزون بر شناخت دقیق‌تر ویژگی‌های بصری گلیم بیجار، می‌توانند زمینه‌ی بهره‌گیری از این میراث تصویری در پژوهش‌های هنرهای تجسمی و طراحی معاصر را نیز فراهم سازند.

پیشینه پژوهش

مطالعات انجام‌شده درباره‌ی گلیم، نقش‌مایه‌های بومی و فرهنگ فولکلور را می‌توان در دو حوزه‌ی کلی طبقه‌بندی کرد؛ نخست، پژوهش‌هایی که به معرفی ویژگی‌های فنی، ساختاری و هنری گلیم پرداخته‌اند و دوم، آثاری که فرهنگ عامه، آیین‌ها و سنت‌های مردم کردستان را بررسی کرده‌اند.

در حوزه‌ی مطالعات گلیم، هال و لوچیک ویووسکا (۱۳۷۷) در کتاب «گلیم؛ تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی» ضمن معرفی گلیم‌های اقوام مختلف، به تاریخچه، ساختار بافت، انواع نقوش و شیوه‌ی شناسایی آن‌ها پرداخته‌اند. همچنین یاوری (۱۳۹۲) در کتاب «گلیم و گلیم‌مانندهای ایران» با رویکردی جامع، مفاهیم، اصطلاحات، مواد اولیه، ابزار، شیوه‌های بافت و برخی جنبه‌های نمادین گلیم‌های ایران را بررسی کرده است. این آثار اگرچه اطلاعات ارزشمندی درباره‌ی ویژگی‌های فنی و تاریخی گلیم ارائه می‌کنند، اما به تحلیل ارتباط میان ساختار بصری نقش‌مایه‌ها و فرهنگ فولکلور توجه چندانی نداشته‌اند.

در زمینه‌ی مطالعات فرهنگ فولکلور، شمس (۱۳۹۳) در کتاب «فولکلور و تاریخ کرد» با بررسی تاریخ، روایت‌های شفاهی، آیین‌های سنتی، جشن‌های بومی و اصطلاحات کردی، تصویری جامع از فرهنگ عامه‌ی مردم

کرد ارائه کرده است. همچنین، جعفری قنواتی (۱۳۹۴) در کتاب «درآمدی بر فولکلور ایران» به تبیین مفاهیم، مبانی نظری و عناصر فرهنگ عامه پرداخته و نقش سنت‌های شفاهی و آیین‌های مردمی را در شکل‌گیری هویت فرهنگی تبیین کرده است. اگرچه این منابع، چارچوب مناسبی برای شناخت مؤلفه‌های فولکلور فراهم می‌آورند، اما ارتباط این مؤلفه‌ها با نظام تصویری هنرهای سنتی را بررسی نکرده‌اند.

در میان پژوهش‌های مرتبط با گلیم کردستان نیز، محمدی (۱۳۹۱) در پایان‌نامه «مطالعه طرح و نقش گلیم کردستان ایران (نمونه موردی گلیم شهرهای سنندج و بیجار)» به معرفی و طبقه‌بندی نقش‌مایه‌های گلیم این مناطق پرداخته است. همچنین، حسینی (۱۳۹۶) در کتاب «آیین‌های فولکلور در تاریخ کرد»، ابعاد مختلف فرهنگ عامه، آیین‌ها و سنت‌های اجتماعی مردم کردستان را مورد بررسی قرار داده است. اما، با وجود ارزش این پژوهش‌ها، تمرکز آن‌ها بیشتر بر معرفی فرهنگ یا شناسایی نقوش بوده و تحلیل ساختار بصری نقش‌مایه‌ها در نسبت با مؤلفه‌های فرهنگ فولکلور کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

با این تفاسیر، بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه مطالعات متعددی درباره‌ی گلیم، نقش‌مایه‌ها، نمادها و فرهنگ فولکلور کردستان انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی که ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار را با تأکید بر مؤلفه‌های فرهنگ فولکلور و از منظر هنرهای تجسمی تحلیل کند، کمتر دیده می‌شود. از این‌رو، پژوهش حاضر می‌کوشد با بهره‌گیری از تحلیل عناصر و اصول هنرهای تجسمی و تفسیر نقش‌مایه‌ها در بستر فرهنگ عامه، نسبت میان زبان بصری گلیم بیجار و هویت فرهنگی مردم کردستان را تبیین کند و خلأ موجود در این حوزه را تا حدی پوشش دهد.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از نظر ماهیت، توصیفی–تحلیلی با رویکرد کیفی است. جامعه‌ی پژوهش شامل نمونه‌هایی از گلیم‌های اصیل منطقه‌ی بیجار کردستان است که به‌دلیل برخورداری از تنوع نقش‌مایه‌ها و اصالت هنری، به‌صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. گردآوری اطلاعات با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، بررسی منابع مکتوب، مقالات علمی، منابع مرتبط با فرهنگ فولکلور و مشاهده و مطالعه تصاویر معتبر از گلیم‌های بیجار انجام گرفته است.

در مرحله‌ی تحلیل، نقش‌مایه‌های منتخب از منظر عناصر و اصول هنرهای تجسمی، شامل خط، شکل، رنگ، بافت، ریتم، تعادل، تقارن، تضاد و ترکیب‌بندی بررسی و سپس با استناد به منابع معتبر حوزه‌ی فولکلور و فرهنگ عامه، نسبت میان ساختار بصری این نقش‌مایه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی، آیینی و نمادین مردم کردستان تبیین شده است. در نهایت، با تلفیق تحلیل‌های بصری و مطالعات فولکلور، تلاش شده است تا جایگاه نقش‌مایه‌های گلیم بیجار به‌عنوان بازتابی از هویت فرهنگی و حافظه جمعی جامعه کرد تفسیر و تحلیل شود.

۱- گلیم‌بافی در کردستان

تاریخ زندگی کردها از ابتدا به‌عنوان یکی از قدیمی‌ترین و بومی‌ترین قوم‌های ایرانی، مورد توجه بوده است. لقب کردها در ابتدا به قبایل محلی و اتحادیه‌های غرب ایران در سال ۶۴۰ قبل از میلاد داده می‌شد. کردها مانند دیگر مردمان این سرزمین، پشتوها و بلوچ ها، ایرانی هستند؛ اما در هر حال، زبان کردی با گویش خاص خود، آن‌ها را از دیگر گروه‌ها متمایز می‌سازد.

به دلیل پراکندگی گسترده‌ی کردها، اختلاف زیادی نیز در گلیم‌های آن‌ها وجود دارد. این اختلاف در طرح، بافت، مواد به کار رفته، اندازه و رنگ به چشم می خورد (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷). درباره‌ی واژه «گلیم» در

لغت‌نامه‌های گوناگون چنین می‌خوانیم: گلیم، پوشش معروف که از موی بز و پشم گوسفند بافند و یا جامه‌ی پشمین معروف که از پشم میش بافند (دهخدا، ۱۳۷۷). پوششی که از موی بز و پشم گوسفند بافند. ۱- فرش پشمین، ۲- پارچه پشمین و ۳- جُل (معین، ۱۳۷۱). گلیم، نوعی فرش بدون پرز است با نخ پشمی، پنبه‌ای یا کنفی جهت زیرانداز یا تزئین که با درگیری تار و پود بافته می‌شود (دانشگر، ۱۳۷۲). گلیم نوعی از فرش است که با نخ پنبه‌ای یا پشمی بافته می‌شود و پرز ندارد (عمید، ۱۳۷۷). به‌طور کلی، گلیم‌ها را می‌توان به سه دسته تقسیم‌بندی کرد:

۱) گلیم ساده یا تخت: برای بافت این نوع گلیم از روش پودگذاری استفاده می‌شود و ضخامت کمتری در مقایسه با انواع دیگر گلیم دارد.

۲) گلیم یک‌رو یا سوماک: با روش پود پیچی و پیچش پود صورت می‌گیرد و نسبت به گلیم ساده ضخامت بیشتری دارد.

۳) گلیم‌های خاص یا گلیم‌های یک‌رو ولی غیر سوماک: تلفیقی از گلیم ساده و سوماک است.

بدین ترتیب، ویژگی‌های هر گلیم با عوامل زیادی ارتباط مستقیم دارد؛ از جمله نوع و جنس تار و پود، چگونگی نخ ریسی، انتخاب رنگ، شیوه‌ی بافت و بالاخره پرداخت نهایی (یاوری، ۱۳۹۲). به‌کارگیری مواد اولیه‌ی مرغوب با رنگ‌های ثابت، استفاده از طرح‌های اصیل و سنتی با رنگ‌بندی‌های مناسب و دقت و مهارت در بافت گلیم، مجموعه عواملی است که موجب شده تا گلیم کردستان از گذشته‌های دور موقعیت ممتازی کسب نموده و آن را پیوسته حفظ کند.

مراکز مهم تولید گلیم در استان کردستان شامل سنندج، بیجار و روستاهای اطراف آن سقز و روستاهای اطراف مریوان است. مواد اولیه‌ی مورد نیاز برای تولید گلیم در کردستان، نخ پشمی دولای تابیده، الوان برای پود گلیم است و برای تار از نخ پنبه‌ای استفاده می‌شود. رنگ‌ها شامل قرمز پررنگ، کم‌رنگ، صورتی چرک و سبز پررنگ و کم‌رنگ، سورمه‌ای و آبی کم‌رنگ و پررنگ، مشکی، قهوه‌ای پررنگ و کم‌رنگ، عنابی، زیتونی و زرد می‌باشند. طرح‌های مورد استفاده‌ی گلیم تماماً از نقوش اصیل و سنتی منطقه نشأت می‌گیرند و شامل انواع گل‌ها، پرندگان، محراب و ... هستند که اکثراً بافندگان طرح‌ها را به طور ذهنی می‌بافند. بیجار و سنندج، دو مرکز گلیم‌بافی و ساده بافی کردستان است (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷).

زیباترین طرح گلیم، ترنجی در وسط و زمینه‌ای رنگی دارد. بته‌ای نیز با ظرافت در درون ترنج بافته می‌شود. بر زمینه‌ی آن شکل گلی است که ماهی‌هایی به‌طور مورب در دو طرفش قرار می‌گیرند. در مناطق روستایی، گلیم‌ها نوع دیگری هستند و طرح‌هایی زنده و شاد دارند. طرح آن‌ها ترکیبی از بخش‌های رنگی گوناگون است که با خطوطی از هم جدا می‌شوند. استفاده از نقوش پرندگان در این طرح‌ها معمول است. یکی از عناصر تشکیل‌دهنده‌ی طرح‌های بیجار که طرفداران بسیاری دارد، گل سرخ می‌باشد. انواع گلیم‌های بیجار و بافت حاشیه‌ها نیز شامل گل‌های مدور برجسته‌ای است که به گونه‌ای خاص جلوه می‌کنند. در بافت‌های کرد، وابستگی قومی و قبیله‌ای نیز عیان است. دارهای گلیم و جاجیم بافی در بیجار و دیگر مناطق کردستان از نوع ایستاده است. بیجار، به معنای ترکیبی از گروه‌های مختلف مردم، شهری تجاری در حاشیه‌ی کردستان است. گلیم‌باف‌هایی که به‌عنوان بیجار شناخته شده، مربوط به خود شهر و چهل روستای اطراف آن است (یاوری، ۱۳۹۲).

۱-۱- گلیم بیجار و ویژگی‌ها

«بیجار» به معنی ترکیب گروه‌های مختلفی از مردم است که دارای گلیم مخصوص به خود است. گلیم بیجار را نمی‌توان به‌راحتی از گلیم‌هایی که در غرب و شمال‌غربی کردستان مانند (شاهسون) بافته می‌شوند، تشخیص داد. گلیم‌های بیجار معمولاً طویل و باریک هستند و در آن از ترنج‌های رنگین مثلثی و یا لوزی شکل استفاده می‌شود.

بیشتر گلیم‌های منطقه دارای دو حاشیه بوده و از دیگر ویژگی‌های بعضی از گلیم‌ها، بافت انسان و حیوان در متن یا حاشیه‌های آن‌ها است. طرح حیوانات نیز در متن این گلیم‌ها اهمیت گله‌های گوسفندان و بزها را نشان می‌دهد که به‌عنوان ثروت قابل حمل به آن تکیه می‌کنند. البته حیوانات دو سر، ویژگی کارهای تزئینی کردها، من‌جمله در کیف‌ها است. جل اسب و کیف‌های بیجار با اسلوب پیچ‌باف بافته می‌شوند. این کارهای دستی تزئینی به‌علت روش مشابه تابیدن پشم در آن‌ها، به سختی از کارهای قبیله‌ای مناطق اطراف متمایز است.

در کارگاه‌های شهری، نیروی ابتکار بافندگان به‌صورت طرح‌های گل‌دار و ظریف با گل‌های رز و میخک خودنمایی می‌کند و در روستاها و دهکده‌ها، بافندگان ذوق خود را با نمایش حیوانات و انسان‌ها در متن گلیم نشان می‌دهند. در واقع یکی از زیباترین و جالب‌ترین ویژگی بعضی از این گلیم‌ها، بافت انسان و حیوان در متن و حاشیه‌ی آن‌ها است. این گلیم‌ها در گذشته برای هدیه به عروسان جوان بافته می‌شده است (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷).

تصویر ۱. بخشی از نمونه گلیم‌های بیجار کردستان. مأخذ: (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷)

از دیگر مشخصه‌های گلیم بیجار، رنگ‌های به کار رفته در آن است، تضاد جسورانه بین رنگ‌های به کار رفته زیبایی آن را دو چندان می‌کند؛ رنگ‌های شاد و نابی که بافنده‌ی کرد برای کارش انتخاب می‌کند، بیانگر طبیعت سرد و وحشی و در عین حال رنگارنگ کردستان است. در گلیم‌های «گروس» به کار بردن رنگ‌های شاد و تند مانند قرمز و رنگ‌های متمایل به آن به‌ویژه رنگ‌های چهره‌ای و صورتی و پوست پیازی، مشکی، سفید، حنایی و انواع سبزها در زمینه‌های سورمه‌ای و سفید و قرمز به چشم می‌خورند. به کار بردن رنگ‌های سبز و سفید و پیازی و کاهی بر زمینه‌ی لاکی، شادابی دیگری بر گلیم‌های گروس می‌دهد و نقش‌ها را در دید واضح و روشن و برجسته می‌نمایاند. طرح‌های انسانی در این گلیم به‌صورت زنان و مردان در چپ و راست گلیم بافته می‌شود (تصویر ۱).

از جمله دیگر ویژگی‌های ساختاری گلیم بیجار: ۱) طویل و باریک است. ۲) استفاده از ترنج‌های رنگین مثلثی و یا لوزی شکل در آن‌ها. ۳) دارای دو حاشیه می‌باشد. ۴) جالب‌ترین و زیباترین ویژگی‌های بعضی از این گلیم‌ها، وجود بافت انسان و حیوان در متن حاشیه است. ۵) ظاهر گلیم‌ها دارای بافت‌های چاکدار و پشمین و تارهای نخی است. اما، وجه تمایز این گلیم‌ها نسبت به گلیم‌های دیگر وجود حیوانات دو سر می‌باشد. (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷).

در خصوص طرح‌های رایج گلیم بیجار، اگرچه نمی‌توان به‌صورت کامل طرح‌های گسترده را دسته‌بندی کرد، ولی می‌توان آن‌ها را تحت عنوان‌های زیر در نظر داشت:

- طرح ماهی درهم: عمده‌ترین طرح مورد استفاده در قالی و گلیم سنندج و بیجار می‌باشد. هر چند که در گذشته طرح‌های بسیار متنوعی در این شهر بافته می‌شد، ولی امروزه، بخش اعظم دست‌بافته‌های این شهر، طرح ماهی درهم (هراتی) است که در قالب‌های گوناگون لچک ترنج، سه ترنج و ... بافته می‌شوند.
- طرح گل فرنگ: با ورود پارچه‌های خارجی به ایران، کاربرد طرح گل فرنگ، در بسیاری از صنایع دستی ایران رایج شد که از آن جمله گل فرنگ‌های متداول صنایع دستی در کردستان است؛ از جمله گل جرسه که از پارچه‌های ژرسه فرانسوی گرفته شده است، دسته گل (گل محمدی) که شامل دسته‌های گل رز است و یا گل میرزا علی و ....
- طرح گل و بلبل: در طرحی موسوم به عروس و داماد، علاوه بر این گل‌ها و پرنده‌ها، آدمک‌هایی نیز اضافه می‌شوند.
- گل وکیلی: شامل زمینه‌ای پر از گل‌های تجریدی می‌باشد که در میان آن‌ها نگره‌های دیگری نیز نقش شده‌اند (جزایری، ۱۳۸۰).

۲- فرهنگ فولکلور

باورعامیانه یا «فولکلور» واژه‌ی فرانسوی است که می‌توان مجموعه‌ای شامل افسانه‌ها، داستان‌ها، موسیقی، تاریخ شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، هزلیات، باورهای عامه و رسوم دانست. اصطلاح فولکلور را نخستین بار ویلیام جان تامس[1] انگلیسی به کاربرد. از نظر وی این اصطلاح ناظر بر پژوهش‌هایی بود که در زمینه‌ی عادات، آداب و ترانه‌هایی که از ادوار قدیم باقی مانده‌اند، صورت می‌گرفت. در حقیقت مفهوم این اصطلاح ارتباطی مستقیم با تعریفی دارد که از فولک[2] (مردم یا عامه) و لور[3] (فرهنگ) صورت می‌گیرد.

برخی از پژوهشگران فولک را برابر مردم بی‌سواد یا روستایی به شمار می‌آورند. طبیعی است بر اساس چنین برداشتی جوامعی که مردم آن‌ها قادر به نوشتن و خواندن باشند، فاقد فولکلور هستند. گروهی فقط ادبیات و هنر و دیگر دستاوردهای غیر ملموس را مصداق فرهنگ می‌دانند. برخی نیز تعریفی عام‌تر از فرهنگ ارائه می‌دهند و دستاوردهای مادی انسان را نیز در ردیف فرهنگ به شمار می‌آورند (جعفری قنواتی، ۱۳۹۴). یکی از شاخه‌های فولکلور، ادبیات شفاهی است که شامل روایت‌های منظوم مانند ترانه‌ها، لالایی‌ها، نوحه‌ها، بازی‌های منظوم و ...، همچنین روایت‌های منثور مانند اسطوره‌ها، قصه‌ها، چیستان‌ها، افسانه‌ها و ... می‌باشد.

۱-۲- ادبیات شفاهی و آئین کرد

«ادبیات شفاهی» کرد مهم‌ترین و محوری‌ترین مرجع برای بازسازی تاریخ باستانی و کهن مناطق کُردنشین است. این ادبیات چه به شکل نظم و چه به شکل نثر آیینه‌ی تمام‌نمای فرهنگ، تمدن، تاریخ، اعتقادات، باورها و سایر امور زندگی مردمان کرد در گذشته می‌باشد.

ادبیات منظوم کردی که به آن «ستران» یا «گورانی» هم گفته می‌شود، شامل ترانه‌های حماسی، ترانه‌های غنایی، ترانه‌های رقص یا دیلوک، ترانه‌های کار و کارگری، ترانه‌های مشک‌زنی، لالایی‌های مادران و اشعار کودکانه می‌باشد. ادبیات منثور یا ادبیات داستانی فولکلور کردی نیز داستان‌ها، افسانه‌ها، شاهنامه‌های کردی، قصه‌های عامیانه، سرگذشت‌ها، داستان‌های تمثیلی، چیستان‌ها و ... را در بر می‌گیرد که از میان همه‌ی آن‌ها بیت‌های کردی از مهم‌ترین

1. William John Thoms
2. Folk
3. Lore

و خالص‌ترین عناصر تاریخ شفاهی و ادبیات عامیانه‌ی کردها و بهترین وسیله برای نشان دادن ذوق شاعرانه کردی می‌باشند (شمس، ۱۳۹۳).

در طول تاریخ، آئین‌ها در مناطق مختلف و میان طوایف متفاوت بوده است. برخی از پژوهشگران پنج ویژگی برای این آیین‌ها ذکر کرده‌اند که عبارتند از:

۱. شکلی از معرفت و دانش اولیه انسان‌ها می‌باشد.
۲. گونه و روشی برای تعلیم و آموزش محسوب می‌شوند.
۳. برای مهار کردن حوادث و مصیبت‌های آینده، مانند خشکسالی، سیل و ...، اجرا می‌شوند.
۴. برای بزرگداشت نیروهای فراطبیعی و تشکر از آن‌ها در هنگام پیروزی و شکار و ... برگزار می‌شوند.
۵. صبغه‌ی سرگرم‌کنندگی برای مردمان اولیه داشته‌اند (براکت، ۱۳۸۴).

در این راستا، آیین‌های سنتی و بومی کردستان نیز بسیار متعدد و گوناگون هستند. اما در میان آن‌ها، آیین‌هایی که صبغه‌ی نمایشی دارند، از تنوع و تعدد بیشتری برخوردار می‌باشند. با توجه به سیاق معیشت مردمان نواحی مختلف، این آیین‌ها بر محور جغرافیا، انسان، کشاورزی و دامداری پدید آمده‌اند. به‌صورت کلی، بخشی از این آیین‌ها در هنگام تغییر سال، فصل و بخشی دیگر در زمان گرفتار شدن به بیماری یا خشکسالی و قحطی اجرا می‌شوند (شمس، ۱۳۹۳).

تعداد مختصری از آیین‌ها و مراسم در فرهنگ کرد عبارتند از: آیین بو یا عروس‌باران، جشن‌های فصلی؛ جشن سمنوپزان، جشن شادی پرندگان، جشن درو کردن علف، جشن اردیبهشت، جشن روغن کرچک، جشن چیدن پشم گوسفند، جشن نمک‌دادن به بزها و گوسفندان، جشن جورو، جشن آب نو، جشن تهیه گِل و گِل‌بازی، جشن کاور و کوران، جشن کردی، جشن رها کردن گوسفند نر در میان مادّه‌ها، جشن کوچ از ییلاق، جشن ترخینه، جشن شاهیانه شاه، جشن شب چله، جشن خضر زنده، جشن سده پز (صده پز)، جشن درگان بزرگان، جشن کور و کاژان، چهارشنبه‌سوری، ازدواج، زاد و ولد، جشن‌ها، جشن نوروز، جشن رمضان، جشن قربان، جشن ولادت پیامبر (ص)، مراسم شب برات، مراسم شب معراج، سوگواری‌ها، تفریحات و بازی‌های محلی و ... (شمس، ۱۳۹۳). در میان این فرهنگ گسترده، علاوه بر این‌که آداب و سنت‌ها در زندگی کردها تأثیرگذار بوده، در هنر این مرز و بوم هم مثمر ثمر بوده است. یکی از این هنرها گلیم‌بافی، از جمله گلیم بیجار، است.

۳- انواع نقش‌مایه‌های گلیم بیجار

نقش‌مایه‌های گلیم بیجار، همانند دیگر دست‌بافته‌های کردستان، حاصل تعامل میان محیط طبیعی، شیوه‌ی زندگی عشایری و روستایی، باورهای فرهنگی و سنت‌های فولکلور هستند. این نقوش اگرچه در گذر زمان به سمت انتزاع و هندسی‌شدن حرکت کرده‌اند، اما همچنان ریشه در عناصر طبیعی و فرهنگی منطقه دارند. بیشتر نقوش گلیم‌های بیجار و سنندج از طبیعت پیرامون، باورهای اجتماعی و فرهنگ بومی الهام گرفته و در قالبی نمادین و هندسی بازآفرینی شده‌اند (محمدی، ۱۳۹۱).

- نقش‌مایه‌های گیاهی[1]

این گروه شامل نقوشی است که منشأ آن‌ها گیاهان، گل‌ها و درختان بوده و از پرکاربردترین نقوش گلیم بیجار به شمار می‌آیند. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: درخت زندگی، گل هشت‌پر، گل شاه‌عباسی، غنچه، شاخه و برگ، سرو این نقوش اغلب نماد رشد، تداوم زندگی، برکت و زایش هستند و در ساختار بصری با تکرار، تقارن و ریتم هندسی سازمان‌دهی می‌شوند (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷).

1. Floral Motifs

- نقش‌مایه‌های حیوانی[1]

منشأ این نقوش زندگی دامداری و طبیعت کوهستانی کردستان است. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: پرنده، بز کوهی، قوچ و شاخ قوچ، اسب، حیوانات دوسر، مرغ. در فرهنگ فولکلور کرد، این نقوش مفاهیمی همچون قدرت، برکت، آزادی، حفاظت و فراوانی را تداعی می‌کنند. مطالعات مربوط به گلیم‌های بیجار، حضور این نقوش را از ویژگی‌های شاخص گلیم‌های منطقه می‌دانند (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷).

- نقش‌مایه‌های هندسی[2]

بخش عمده‌ای از گلیم‌های بیجار از نقوش هندسی تشکیل شده‌اند که گاه منشأ طبیعی آن‌ها در اثر انتزاع قابل تشخیص نیست. مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: لوزی، مثلث، مربع، ترنج، ستاره، خطوط شکسته، زیگزاگ. این نقوش علاوه بر ایجاد نظم و انسجام بصری، در بسیاری از موارد دارای مفاهیم نمادین هستند و به‌عنوان زبان تصویری فرهنگ بومی عمل می‌کنند (محمدی، ۱۳۹۲).

- نقش‌مایه‌های نمادین و آیینی[3]

برخی نقوش بیش از آن‌که بازنمایی مستقیم طبیعت باشند، بیانگر باورهای آیینی و فرهنگ عامه هستند؛ از جمله، چشم چلیپا، خورشید، ستاره، محراب. این نقش‌مایه‌ها با مفاهیمی چون حفاظت، دفع چشم‌زخم، روشنایی، تقدس و باورهای آیینی ارتباط دارند و در بسیاری از دست‌بافته‌های کردی به‌صورت انتزاعی ظاهر می‌شوند.

- نقش‌مایه‌های ترکیبی[4]

در بسیاری از گلیم‌های بیجار، بافندگان از ترکیب نقوش گیاهی، جانوری و هندسی، ساختارهای پیچیده‌تری پدید آورده‌اند. این ترکیب‌ها معمولاً در قالب ترنج مرکزی، حاشیه‌ها یا قاب‌بندی متن گلیم دیده می‌شوند و هویت بصری ویژه‌ای به گلیم‌های منطقه می‌بخشند. این ترکیب‌ها علاوه بر ایجاد تنوع بصری، بازتاب‌دهنده‌ی نظام فکری و فرهنگی مردم کردستان هستند (محمدی،۱۳۹۱).

۳-۱- بازتاب مفاهیم فولکلور در نقش‌مایه‌ها

مفاهیم فولکلور، مجموعه‌ای مفاهیمی از باورها، آیین‌ها، روایت‌های شفاهی، نمادها، آداب و رسوم، شیوه‌های زیست و تجربه‌های تاریخی یک جامعه است که به‌صورت غیررسمی و از طریق حافظه‌ی جمعی از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابند. این میراث فرهنگی تنها در ادبیات شفاهی، موسیقی، افسانه‌ها و آیین‌ها تجلی نمی‌یابد، بلکه در آثار مادی همچون معماری، پوشاک، سفالینه‌ها و به‌ویژه دست‌بافته‌های سنتی نیز بازتاب پیدا می‌کند. از این منظر، گلیم را می‌توان یکی از مهم‌ترین اسناد تصویری فرهنگ عامه دانست؛ زیرا بافنده در فرایند آفرینش اثر، تجربه زیسته، جهان‌بینی و نظام ارزشی جامعه‌ی خود را در قالب نقش، رنگ و ترکیب‌بندی بازنمایی می‌کند.

از دیدگاه مردم‌شناسی هنر، نقش‌مایه‌ها تنها عناصر تزئینی نیستند، بلکه به‌منزله‌ی نظامی از نشانه‌های فرهنگی عمل می‌کنند که مفاهیم اجتماعی، اعتقادی و اسطوره‌ای را در قالب زبان بصری انتقال می‌دهند. به همین دلیل، مطالعه‌ی نقش‌مایه‌ها بدون توجه به بستر فرهنگی و فولکلوریک آن‌ها، به درک کاملی از معنا و کارکرد این عناصر منجر نخواهد شد. بسیاری از پژوهشگران معتقدند که هنرهای سنتی، به‌ویژه دست‌بافته‌های عشایری و روستایی، نوعی «متن فرهنگی» هستند که در آن هر نقش، حامل بخشی از حافظه‌ی تاریخی و هویت قومی جامعه‌ی بافنده است (افروغ، ۱۳۹۳). همچنین، در مطالعات هنر فرش ایران تأکید شده است که نقش‌ها و الگوهای قالی و گلیم نه‌تنها از زیبایی‌شناسی بصری

1. Animal Motifs
2. Geometric Motifs
3. Symbolic Motifs
4. Composite Motifs

پیروی می‌کنند، بلکه از نظام نمادین فرهنگ‌های محلی نیز تأثیر می‌پذیرند و از این طریق به استمرار هویت فرهنگی کمک می‌کنند.

فرایند شکل‌گیری نقش‌مایه‌ها در گلیم، ارتباط مستقیمی با محیط طبیعی و شیوه‌ی زندگی بافندگان دارد. جوامع عشایری و روستایی که بخش عمده‌ی زندگی خود را در تعامل با طبیعت سپری می‌کنند، عناصر پیرامون خود را به زبان تصویری تبدیل کرده‌اند. از این‌رو، کوه، درخت، رود، حیوانات، گیاهان، خورشید و ستارگان به‌تدریج به صورت نقش‌های هندسی و انتزاعی درآمده و در ساختار گلیم تثبیت شده‌اند. این فرایند انتزاع سبب شده است که نقش‌مایه‌ها ضمن حفظ ریشه‌های طبیعی خود، به نشانه‌های فرهنگی تبدیل شوند که نسل‌های مختلف قادر به خوانش و تفسیر آن‌ها هستند (هال و لوچیک ویووسکا، ۱۳۷۷)؛ (جدول ۱).

برای نمونه، «درخت زندگی» یکی از کهن‌ترین نقش‌مایه‌های دست‌بافته‌های ایران است که در فرهنگ‌های مختلف، نماد تداوم حیات، باروری، پیوند زمین و آسمان و جاودانگی به شمار می‌رود. حضور این نقش در گلیم‌های کردی، علاوه بر ارزش تزئینی، بازتاب‌دهنده‌ی باورهای دیرینه‌ی مردم درباره‌ی رویش، استمرار نسل و برکت است. همچنین، «شاخ قوچ» که از شناخته‌شده‌ترین نقوش گلیم‌های غرب ایران محسوب می‌شود، به دلیل اهمیت دامداری در زندگی عشایری، نماد قدرت، شجاعت، فراوانی و حفاظت از خانواده تلقی می‌شود. فرم مارپیچی و متقارن این نقش، علاوه بر ایجاد ریتم بصری، بر مفهوم پایداری و استحکام نیز تأکید دارد (قاضیانی، ۱۳۷۶).

نقش «پرنده» نیز از جمله نقش‌مایه‌هایی است که در بسیاری از گلیم‌های بیجار مشاهده می‌شود. در فرهنگ فولکلور کرد، پرندگان پیام‌آور بهار، امید، آزادی و گاه واسطه‌ی میان جهان مادی و معنوی محسوب می‌شوند. به همین دلیل، بافندگان کرد غالباً این نقش را با فرم‌های ساده و هندسی در متن یا حاشیه‌ی گلیم تکرار کرده‌اند تا علاوه بر ایجاد تعادل و ریتم بصری، مفاهیم نمادین آن را نیز منتقل کنند. از سوی دیگر، گل‌ها و نقش‌های گیاهی بیانگر پیوند عمیق مردم منطقه با طبیعت هستند. این نقوش، به‌ویژه در فرهنگ کشاورزی و دامداری، نشانه سرسبزی، زایش، امید و برکت محسوب می‌شوند و در بسیاری از آیین‌های محلی نیز حضوری پررنگ دارند (شمس، ۱۳۹۳).

از دیگر نقش‌های رایج در گلیم بیجار، «لوزی» است؛ اگرچه در نگاه نخست یک فرم هندسی ساده به نظر می‌رسد، اما در بسیاری از فرهنگ‌های ایرانی، نماد زمین، باروری و حفاظت به شمار می‌آید. بافندگان با تکرار این نقش در شبکه‌ای منظم، علاوه بر ایجاد وحدت بصری، نوعی نظم کیهانی و تعادل را بازنمایی می‌کنند. همچنین، «چلیپا یا صلیب شکسته» که پیشینه‌ای بسیار کهن در هنر ایران دارد، پیش از آن‌که مفهومی دینی پیدا کند، نمادی از خورشید، حرکت، گردش فصل‌ها و چرخه‌ی حیات بوده است و حضور آن در برخی گلیم‌های کردی را می‌توان بازتابی از استمرار این باورهای کهن دانست (نامورمطلق، ۱۳۹۲).

از منظر هنرهای تجسمی نیز، آنچه نقش‌مایه‌های گلیم را از یک تصویر ساده متمایز می‌کند، نحوه‌ی سازمان‌دهی عناصر بصری است. تکرار، تقارن، ریتم، تعادل، تضاد رنگی و هندسه منظم، نه‌تنها موجب انسجام بصری اثر می‌شوند، بلکه به انتقال مفاهیم فرهنگی نیز کمک می‌کنند. به بیان دیگر، فرم و معنا در گلیم از یکدیگر جدایی‌ناپذیر هستند؛ به‌گونه‌ای که ساختار بصری هر نقش، بخشی از معنای فولکلوریک آن را شکل می‌دهد. از این‌رو، مطالعه‌ی نقش‌مایه‌های گلیم بیجار تنها از منظر زیبایی‌شناسی کافی نیست، بلکه تحلیل آن‌ها در بستر فرهنگ فولکلور، امکان شناخت دقیق‌تر هویت بصری و جهان‌بینی مردم کرد را فراهم می‌آورد. پژوهش‌های جدید درباره دست‌بافته‌های کردی نیز نشان داده‌اند که بسیاری از نقوش انتزاعی، حاصل انتقال و دگرگونی نمادهای فرهنگی در طول زمان هستند و از طریق بافت گلیم به حافظه‌ی فرهنگی جامعه راه یافته‌اند.

جدول ۱. تحلیل بازتاب مفاهیم نمادین و فولکلور در نقش‌مایه‌های گلیم بیجار(نگارنده)

نوع نقش‌مایه	بارتاب مفاهیم نمادین و فولکلور
درخت زندگی	تداوم حیات، باروری، پیوند زمین و آسمان، جاودانگی، رویش، استمرار نسل و برکت
گل هشت‌پر	خورشید، حرکت، گردش فصل‌ها، چرخه حیات و بازتاب استمرار باورهای کهن
شاخ قوچ	قدرت، شجاعت، فراوانی، حفاظت از خانواده و پایداری و استحکام
پرنده	بهار، امید، آزادی، گاه واسطه میان جهان مادی و معنوی، سرسبزی، امید و برکت
لوزی	زمین، باروری و حفاظت، ایجاد وحدت بصری، تداعی نوعی نظم کیهانی و تعادل

۳-۲- نسبت ساختار بصری با فرهنگ فولکلور

ساختار بصری در هنرهای سنتی، نظامی منسجم از عناصر و روابط فرمی است که موجب شکل‌گیری هویت دیداری اثر می‌شود. در دست‌بافته‌های عشایری، این ساختار نه‌تنها بر پایه‌ی اصول زیبایی‌شناسی شکل می‌گیرد، بلکه بازتابی از شرایط اقلیمی، شیوه‌ی زندگی، باورهای فرهنگی و مهارت‌های فنی بافندگان نیز به شمار می‌آید. گلیم‌های بیجار کردستان نیز از این قاعده مستثنا نیستند و ویژگی‌های بصری آن‌ها حاصل پیوند میان هندسه، رنگ، ریتم و نمادپردازی است (جدول ۲). به اعتقاد پاکباز (۱۳۷۸)، آثار هنرهای سنتی ایران از سازمان بصری منسجمی برخوردارند که در آن عناصر بصری با نظامی هدفمند در کنار یکدیگر قرار گرفته و وحدت بصری اثر را شکل می‌دهند.

جدول ۲. تحلیل نسبت ساختار بصری نقوش و مفاهیم در نقش‌مایه‌های گلیم بیجار (نگارنده)

عوامل و عناصر بصری	نقش	ویژگی	مفهوم
غلبه ساختار هندسی	نقش‌مایه‌های طبیعی مانند گل، پرنده، درخت یا حیوانات	اشکال شکسته، زاویه‌دار و هندسی	زندگی، باروری و حاصلخیزی
تکرار و ریتم بصری	ردیف‌های متوالی لوزی‌ها یا تکرار شاخ قوچ در حاشیه گلیم	ایجاد وحدت، موجب القای پویایی و استمرار، تکرار منظم	مفهوم استمرار نسل، حفاظت و قدرت
تقارن و تعادل	شاخ قوچ	یک محور مرکزی منشعب و نظم هندسی	پویایی و اصالت
رنگ و تضادهای بصری	نقوش گیاهی، حیوانی و هندسی	لاکی، سرمه‌ای، آبی نیلی، سفید، کرم، سبز، قهوه‌ای و مشکی	رنگ‌های گرم موجب برجسته‌شدن نقش‌ها
سادگی و انتزاع	پرنده تنها با یک مثلث برای بدن	سادگی فرم‌ها	سادگی و وقار
ترکیب‌بندی شبکه‌ای	متن گلیم از تکرار لوزی‌های بزرگ	بر اساس یک شبکه هندسی	وحدت و انسجام
وحدت میان فرم و معنا	نقوش گیاهی، حیوانی و هندسی	هماهنگی میان فرم و مفهوم	بازتاب نظام فکری، باورهای فولکلوریک و تجربه زیسته جامعه کردستان

- غلبه ساختار هندسی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های بصری گلیم‌های بیجار، غلبه‌ی فرم‌های هندسی است. بیشتر نقش‌مایه‌های طبیعی مانند گل، پرنده، درخت یا حیوانات، در فرایند بافت به اشکال شکسته، زاویه‌دار و هندسی تبدیل شده‌اند. این ویژگی بیش از آن‌که صرفاً حاصل سلیقه‌ی بافندگان باشد، نتیجه‌ی محدودیت‌های ساختاری دار گلیم و شیوه‌ی بافت تار و پودی است. هال و لوچیک ویووسکا (۱۳۷۷) معتقدند که در اغلب گلیم‌های ایران، طبیعت از طریق فرایند انتزاع به مجموعه‌ای از خطوط شکسته و فرم‌های هندسی تبدیل شده است. برای نمونه، درخت زندگی در گلیم بیجار برخلاف نمونه‌های قالی، با شاخه‌هایی پلکانی و زاویه‌دار نمایش داده می‌شود و تنه‌ی آن از خطوط مستقیم تشکیل شده است.

همچنین، پرندگان معمولاً با ترکیب مثلث، لوزی و خطوط شکسته ترسیم می‌شوند و تنها ویژگی‌های اصلی آن‌ها قابل تشخیص است (یاوری، ۱۳۹۲).

- تکرار و ریتم بصری

ریتم از مهم‌ترین اصول سازمان‌دهی بصری در گلیم بیجار است. نقش‌مایه‌ها معمولاً به‌صورت منظم یا نیمه منظم در سطح گلیم تکرار می‌شوند و حرکت چشم را در سراسر اثر هدایت می‌کنند. این تکرار علاوه بر ایجاد وحدت، موجب القای پویایی و استمرار نیز می‌شود. برای مثال، ردیف‌های متوالی لوزی‌ها یا تکرار شاخ قوچ در حاشیه‌ی گلیم، نوعی ریتم منظم ایجاد می‌کند که ضمن استحکام ساختار بصری، بر مفهوم استمرار نسل، حفاظت و قدرت نیز دلالت دارد. داندیس (۱۳۸۸) ریتم را یکی از مهم‌ترین عوامل انسجام بصری می‌داند که از طریق تکرار فرم‌ها و فواصل میان آن‌ها ایجاد می‌شود.

- تقارن و تعادل

تقارن، یکی دیگر از ویژگی‌های شاخص نقش‌مایه‌های گلیم بیجار است. بسیاری از نقوش حول یک محور عمودی یا افقی سازمان یافته‌اند و این ویژگی سبب ایجاد تعادل و ثبات در ترکیب‌بندی می‌شود. به‌عنوان نمونه، نقش شاخ قوچ معمولاً به‌صورت دو فرم متقابل طراحی می‌شود که از یک محور مرکزی منشعب شده‌اند. همچنین، در بسیاری از ترنج‌های مرکزی، عناصر پیرامونی به‌صورت قرینه چیده شده‌اند و نظم هندسی مشخصی را به نمایش می‌گذارند (ژوله، ۱۳۸۱). البته، این تقارن همیشه کامل نیست. در بسیاری از گلیم‌های عشایری، تفاوت‌های جزئی میان دو سوی نقش دیده می‌شود که حاصل بافت ذهنی و بدون نقشه است. این ویژگی نوعی پویایی و اصالت به اثر می‌بخشد و از یکنواختی آن جلوگیری می‌کند (قاضیانی، ۱۳۷۶).

- رنگ و تضادهای بصری

یکی از مهم‌ترین عوامل هویت بصری گلیم‌های بیجار، رنگ است. رنگ‌های به‌کاررفته غالباً از رنگزاهای طبیعی تهیه شده‌اند و شامل لاکی، سرمه‌ای، آبی نیلی، سفید، کرم، سبز، قهوه‌ای و مشکی هستند. ایتن (۱۳۹۹) معتقد است که تضاد رنگی، یکی از مؤثرترین عوامل ایجاد تأکید بصری است. در گلیم بیجار نیز استفاده از رنگ‌های گرم در کنار رنگ‌های سرد، موجب برجسته‌شدن نقش‌ها می‌شود؛ برای مثال: زمینه لاکی با نقوش سفید و سرمه‌ای، زمینه سرمه‌ای با گل‌های کرم و قرمز، استفاده از خطوط مشکی برای تفکیک نقش‌ها. این تضادها علاوه بر افزایش خوانایی، به سازمان‌دهی بصری اثر نیز کمک می‌کنند.

- سادگی و انتزاع

از ویژگی‌های مهم ساختار بصری گلیم بیجار، سادگی فرم‌ها است. بافندگان تلاش نمی‌کنند طبیعت را به‌صورت واقع‌گرایانه بازنمایی کنند، بلکه مهم‌ترین ویژگی‌های هر پدیده را استخراج کرده و به‌صورت نشانه‌ای ساده ارائه می‌دهند. برای مثال: پرنده تنها با یک مثلث برای بدن، یک زاویه برای منقار و دو خط برای پاها نمایش داده می‌شود. بز کوهی بیشتر با دو شاخ بزرگ شناخته می‌شود. گل‌ها غالباً به‌صورت ستاره‌های هشت‌پر یا لوزی‌های چندبخشی بافته می‌شوند. پاکباز (۱۳۷۸) این ویژگی را از مهم‌ترین خصوصیات هنرهای سنتی ایران می‌داند که در آن، جوهره فرم جایگزین بازنمایی طبیعی می‌شود.

- ترکیب‌بندی شبکه‌ای

ساختار کلی گلیم‌های بیجار معمولاً بر اساس یک شبکه هندسی شکل می‌گیرد. نقش‌ها در قالب ردیف‌ها، قاب‌ها و ترنج‌های منظم سازمان‌دهی می‌شوند و فضای خالی به حداقل می‌رسد. ژوله (۱۳۸۱) معتقد است که این سازمان شبکه‌ای موجب ایجاد وحدت، انسجام و خوانایی بیشتر اثر می‌شود. برای مثال، در بسیاری از گلیم‌های بیجار، متن

گلیم از تکرار لوزی‌های بزرگ تشکیل شده است که درون هر یک، نقش گل، پرنده یا شاخ قوچ قرار گرفته و حاشیه‌ها نیز با نقوش کوچکتر قاب‌بندی شده‌اند.

- وحدت میان فرم و معنا

مهم‌ترین ویژگی ساختار بصری گلیم بیجار، هماهنگی میان فرم و مفهوم است. عناصر بصری صرفاً برای تزئین به کار نرفته‌اند، بلکه هر یک حامل مفهومی فرهنگی هستند. از این‌رو، می‌توان گفت که ساختار بصری گلیم‌های بیجار تنها نتیجه‌ی مهارت فنی بافندگان نیست، بلکه بازتاب نظام فکری، باورهای فولکلوریک و تجربه‌ی زیسته‌ی جامعه کردستان است؛ ویژگی‌ای که این دست‌بافته‌ها را به اسناد ارزشمند فرهنگ تصویری ایران تبدیل کرده است.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل بازتاب فرهنگ فولکلور در ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار کردستان نشان داد که این دست‌بافته‌ها صرفاً آثاری کاربردی یا تزئینی نیستند، بلکه نظامی منسجم از نشانه‌های بصری را در خود جای داده‌اند که ریشه در فرهنگ، باورها، شیوه‌ی زیست و حافظه‌ی جمعی مردم کردستان دارد.

بررسی نقش‌مایه‌ها از منظر هنرهای تجسمی آشکار ساخت که عناصر طبیعی، جانوری، گیاهی و هندسی، در فرایندی از انتزاع و ساده‌سازی، به الگوهایی پایدار و هویت‌بخش تبدیل شده‌اند که ضمن حفظ کارکرد زیبایی‌شناختی، حامل مفاهیم نمادین و فرهنگی نیز هستند. تحلیل عناصر و اصول بصری نقش‌مایه‌ها نشان داد که بهره‌گیری از خطوط شکسته، هندسه‌ی منظم، تکرار، ریتم، تقارن، تعادل و تضادهای رنگی، مهم‌ترین ویژگی‌های ساختار بصری گلیم‌های بیجار را تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌ها نه‌تنها موجب انسجام ترکیب‌بندی و خوانایی بصری اثر شده‌اند، بلکه به انتقال مفاهیم فولکلوریک نیز یاری رسانده‌اند. برای نمونه، نقش شاخ قوچ با ساختار متقارن و فرم‌های زاویه‌دار، نماد قدرت و پایداری؛ درخت زندگی بیانگر تداوم حیات و باروری؛ پرنده، نشانه‌ی آزادی و امید و نقش‌های هندسی همچون لوزی و ستاره بازتاب‌دهنده‌ی مفاهیمی چون حفاظت، نظم و تداوم فرهنگی هستند.

بنابراین، معنا در این دست‌بافته‌ها تنها از طریق موضوع نقش‌ها منتقل نمی‌شود، بلکه نحوه‌ی سازمان‌دهی عناصر بصری نیز در شکل‌گیری و تقویت این معانی نقش اساسی دارد. از سوی دیگر، یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که میان ساختار بصری نقش‌مایه‌ها و فرهنگ فولکلور رابطه‌ای مستقیم و دوسویه برقرار است؛ به گونه‌ای که نظام تصویری گلیم بیجار را می‌توان بازتابی از محیط طبیعی، آیین‌ها، سنت‌های شفاهی، معیشت دامداری و جهان‌بینی مردم کرد دانست. این پیوند سبب شده است که گلیم، علاوه بر ارزش هنری، به مثابه‌ی سندی تصویری برای حفظ و انتقال میراث ناملموس فرهنگی عمل کند و هویت قومی را در قالب زبان بصری بازنمایی نماید.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که مطالعه‌ی ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار، افزون بر شناخت ویژگی‌های زیبایی‌شناختی هنر بومی، ظرفیت‌های ارزشمندی را برای بازآفرینی این میراث تصویری در هنرهای تجسمی معاصر فراهم می‌آورد. بهره‌گیری آگاهانه از هندسه‌ی بصری، نظام رنگ، ریتم، تکرار و مفاهیم نمادین این نقش‌مایه‌ها می‌تواند الهام‌بخش طراحی گرافیک، تصویرسازی، طراحی الگو، بسته‌بندی فرهنگی و سایر شاخه‌های هنر معاصر باشد. از این‌رو، حفاظت، مستندسازی و تحلیل علمی این سرمایه‌های فرهنگی، نه‌تنها در حفظ هویت بصری منطقه‌ی بیجار و فرهنگ کردی مؤثر است، بلکه زمینه‌ای برای استمرار و بازتولید خلاقانه‌ی آن در هنر امروز ایران فراهم می‌کند.

منابع

افروغ، محمد. (۱۳۹۳). *نماد و نشانه‌شناسی در فرش ایران*. تهران: میردشتی.

ایتن، یوهانس. (۱۳۹۹). *هنر رنگ* (عربعلی شروه، مترجم). تهران: یساولی.

براکت، اسکار گروس. (۱۳۸۴). *تاریخ تئاتر جهان* (هوشنگ آزادی‌ور، مترجم). تهران: انتشارات مروارید.

پاکباز، رویین. (۱۳۷۸). *دایره‌المعارف هنر*. تهران: فرهنگ معاصر.

جزایری، زهرا. (۱۳۸۰). *شناخت گلیم*. تهران: سروش.

جعفری قنواتی، محمد. (۱۳۹۴). *درآمدی بر فولکلور ایران*. تهران: جامی.

حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۶). *آیین‌های فولکلور در تاریخ کرد*. تهران: پرسمان.

داندیس، دانیس. (۱۳۸۸). *مبانی سواد بصری* (مسعود سپهر، مترجم). تهران: سروش.

دانشگر، احمد. (۱۳۷۲). *فرهنگ جامع فرش دستباف*. تهران: چاپ و نشر.

دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). *لغت‌نامه دهخدا*. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

ژوله، تورج. (۱۳۸۱). *پژوهشی در فرش ایران*. تهران: یساولی.

شمس، اسماعیل. (۱۳۹۳). *فولکلور و تاریخ کرد*. قم: مجمع ذخایر اسلامی.

عمید، حسن. (۱۳۷۷). *فرهنگ عمید*. تهران: امیرکبیر.

قاضیانی، فرحناز. (۱۳۷۶). *بختیاری‌ها، بافته‌ها و نقوش*. تهران: سازمان میراث فرهنگی.

محمدی، جمشید، صفاران، الیاس، و خزائی، محمد. (۱۳۹۱). *مطالعه طرح و نقش گلیم استان کردستان ایران (نمونه موردی: گلیم منطقه سنندج و بیجار)*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام‌نور.

معین، محمد. (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی معین*. تهران: امیرکبیر.

نامورمطلق، بهمن. (۱۳۹۲). *درآمدی بر اسطوره‌شناسی: نظریه‌ها و کاربردها*. تهران: سخن.

هال، آلستر، و لوچیک ویووسکا، جوزه. (۱۳۷۷). *گلیم: تاریخچه، طرح، بافت و شناسایی* (شیرین همایون‌فر و نیلوفر الفت شایان، مترجمان). تهران: کارنگ.

یاوری، حسین. (۱۳۹۲). *شناخت گلیم و گلیم‌مانندهای ایران* (با همکاری سارا سادات مکیان، پروین محمدپور نجاتیان و سیده مهسا هاشمی). تهران: آذر.

یاوری، حسین. (۱۳۹۲). *گلیم و گلیم‌مانندهای ایران*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری.

استناد به این مقاله: انصاری، زهرا. (۱۴۰۵). تحلیل بازتاب مفاهیم فولکلور در ساختار بصری نقش‌مایه‌های گلیم بیجار کردستان. *فصلنامه رهاورد هنر*، ۱(۴)، ۱۸-۳۱.

Rahavard-e Honar Quarterly Journal of Art Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.